امتیاز

سه‌شنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۰
۱ محرم الحرام ۱۴۴۳ ● ۱۰ آگوست ۲۰۲۱
شماره ۳۲۵۹ ● ۸ صفحه

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور
صاحب امتیاز و مدیرمسوول:
غلامحسین شعبانی
نشانی: میدان انقلاب - خیابان جمالزاده‌شمالی
پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیکی:
info@emtiazdaily.ir
تلفن: ۶۶۵۹۶۸۰۹
آگهی دولتی: ۶۶۵۶۷۷۶۴ - آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹
لیتوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

متن میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

بررسی مینی سریال ژآپنی رزیدنت اویل که هم در نوآوریتکنولوژی قابل توجه است و هم مایه‌های آشکار و غلیظ سیاسی دارد

روایت ژاپنی جنگ سرد دوم

«رزیدنت اویل: تاریکی بی‌نهایت» یک مسیر منحرف‌شده از خط‌سیر کلی این فرانشیز است که به همین دلیل می‌تواند برای هواداران آن کنجکاوی‌برانگیز باشد و کسانی که با جدیت این مجموعه را دنبال می‌کنند، احتمالا برای گم‌نکردن خط سیر کلی رویدادهای مرتبط با آن، ضروری است این مینی‌سریال چهارقسمتی را هم ببینند. این مینی‌سریال چهارقسمتی که بین رویدادهای رزیدنت اویل ۴ و ۵ اتفاق می‌افتد، داستانی را درمورد سرپوش‌های سایه‌دار دولت آمریکا درخصوص رویدادهای کلان سیاست جهانی ارائه می‌کند و از لحاظ قصه‌گویی هم تمام کلیشه‌های متعارف ژانرهایی را که به آنها تعلق دارد، رعایت کرده است. به‌طور کلی انیمیشن‌های ژاپن بیشتر روی مخاطبان نوجوان حساب باز می‌کنند و انیمیشن‌های آمریکایی روی مخاطبان کودک. بزرگسالانی که با این آثار سروکار دارند هم یا با کودک درون‌شان روبه‌رو می‌شوند یا با نوجوان درون‌شان. روی همین حساب طبیعی است که در انیمیشن‌های ژاپنی از طعنه‌های ریز و درشت به اساطیر و شخصیت‌های تاریخی گرفته تا متلک‌های سیاسی چیزهای فراوانی را ببینیم. حالا رزیدنت اویل هم که همه آن را به‌خاطر بازی‌های کامپیوتری‌اش و انواع فیلم‌ها سریال‌ها و مجموعه‌های داستانی با محوریت پیرنگ اصلی این قصه می‌شناسند، مینی‌سریالی ساخته است که به همین دست مسائل در جامعه امروز طعنه می‌زند. مساله اشغال افغانستان توسط آمریکا و اهدافی که در پس این اشغال وجود داشته از یک‌سو و نبرد بین چین و آمریکا که تلاش شده بازسازی دوران جنگ سرد و دوقطبی دنیا بین شوروی و آمریکا باشد، از سوی دیگر، این مضامین جدی و فرامتنی هستند که بن‌مایه این سریال را تشکیل داده‌اند. اگر این چهار قسمت را کنار هم قرار بدهیم و بخش‌های تکراری در ابتدای قسمت‌های اول به بعد را حذف کنیم، کاملا با یک نسخه سینمایی استاندارد طرف خواهیم بود؛ اما چیزی که باعث شده این مجموعه در قالب سریال عرضه شود، شاید این بوده که به این طریق بهتر می‌توانست دیده شود و قابلیت داستانی آن هنوز متناسب با فضای سینمایی نشده بود. پیش از این هم انیمیشن‌های ژاپن نتوانسته بودند در قالب فیوچر فیلم یا فیلم یکی، دوساعته چندان نظر مخاطبان را جلب کنند. نگاه سازندگان مجموعه رزیدنت اویل به مسائل کلان و مناقشه‌برانگیزی مثل جنگ افغانستان و رویارویی آمریکا و چین در یک قالب کاملا کلیشه‌ای انجام شده اما با اینکه زبان مجموعه انگلیسی است و شخصیت‌های اصلی آن همه آمریکایی هستند، همین کلیشه‌پردازی هم با کلیشه‌پردازی‌های آمریکایی یک تفاوت بنیادین دارد که به آن در ادامه بیشتر خواهیم پرداخت. این تفاوت بنیادین به الگوی رازداری برای حفظ انسجام ساختار برمی‌گردد که در نگاه شرقی‌ها یک ارزش به حساب می‌آید اما آمریکایی‌ها برخلاف آن روی افشاگری و شفافیت به‌عنوان ارزش تایید تاکید می‌کنند. اینکه به‌واقع آمریکایی‌ها به چنین ارزشی عمل کرده‌اند یا نه، بحثی دیگر است اما اساسا نوع ارزش‌گذاری بین شرقی‌ها و غربی‌ها تفاوت می‌کند و رزیدنت اویل با اینکه خواسته از چشم‌انداز غربی‌ها ساخته شود، در پس‌زمینه خودش یک نگاه شرقی داشته است. نگاه به چین هم که یک نگاه جنگ سردی است و از الگوی رویارویی آمریکا و شوروی برداشته شده شاید خارج از منطقه شرق آسیا چندان جدی گرفته نشود، چون چین و آمریکا حداقل چنان‌که تا به‌حال دیده‌ایم نهایتا در مسائل اقتصادی با هم رقابت شدید دارند و چیزی که بین آمریکا و شوروی روی داد، بعید است که بین این دو عنصر قدرتمند رئال پالتیک هم رخ بدهد اما مساله چین برای کشورهای شرق آسیا نسبت به مردم سایر جهان مهم‌تر است و غیر از ژاپن، در فیلم‌ها و سریال‌های کره‌ای هم چنین نگاهی به موضوع چین می‌شود و البته بین آثار چینی‌ها هم دیده می‌شود، خود چینی‌ها هم به موضوع آمریکا نگاهی جنگ سردی ندارند.

شطرنج با مهره‌های کلیشه‌ای داستان‌نویسی

مینی‌سریال رزیدنت اویل از کلیشه‌های متعارف و موجود در انواع ژانرهایی که به آن تعلق دارد، حداکثر استفاده را کرده است و این مطمئن‌ترین راه برای یک سرمایه‌گذاری کلان و نوآورانه تکنولوژیک است که معلوم نیست چه بازخوردی از جانب مخاطبان دریافت می‌کند. به چند مورد از این کلیشه‌ها دقت کنیم؛ ۱- وقوع یک فاجعه بشری که منشأ آن آزمایشگاه‌های نظامی است. ۲- زامبی‌هایی که فقط باید به سرشان شلیک کنید تا بمیرند و با گاز گرفتن باقی افراد، آنها را هم مثل خودشان می‌کنند. ۳- نظامی‌های پلیدی که آزمایش‌های بیولوژیک هولناک می‌کنند و عامل اصلی حادثه هستند. ۴-وزیر دفاع یک کشور قدرتمند که قصد دارد برای رسیدن به منافعش آن کشور را وارد جنگ با ابرقدرت رقیب کند و برای رسیدن به این هدف، درحال فریب رئیس‌جمهور یا هر مقامی است که بالادست او قرار دارد. ۵- ناجی‌هایی که ماموران امنیتی زیردست همان نظامی‌های پلید و قدرت‌طلب قصه هستند و به‌رغم این تمرد فسادستیزانه علیه مقام بالادست خودشان، حامی کلی ساختار سیاسی محسوب می‌شوند. ۶-زن و مردی که در تمام نسخه‌های روایت شده از یک داستان، به‌طور ثابت حضور دارند و در اینجا لئون‌اس کات‌کندی (نیک آپوستولیدس) و کلر ردفیلد (استفانی پانیسلو) ایفاگر این کلیشه هستند. آنها هیچ‌وقت نمی‌میرند اما شخصیت‌های منفی در هر نسخه جدیدی از قصه، می‌آیند و می‌روند. این قهرمان‌های نامیرا حتی پیر هم نمی‌شوند و این درحالی است که زمان روایت، طی سال‌های متمادی، بارها در نسخه‌های نو به نو تغییر می‌کند و حتی بازیگران هم عوض می‌شوند. وقتی که یک داستان داخل این قالب‌های تکراری قرار گرفت، خالق اثر می‌تواند هر محتوایی را به آن تزریق کند و البته امکان این وجود ندارد که تغییرات غافلگیرکننده‌ای در روند روایت به وجود بیایند؛ چون مخاطب آنها را پس می‌زند. مثلا مخاطب چنین داستان‌هایی به‌هیچ‌وجه با این کنار نخواهد آمد که قهرمان‌های اصلی قصه بمیرند و اتفاقا همین کلیشه‌ای بودن است که خیال آنها را راحت می‌کند تا انتخاب‌شان این مجموعه‌ها باشد، چون بعضی چیزها مثل مرگ قهرمان یا نرسیدن حق به حق‌دار در پایان داستان، خط قرمز خیلی از مخاطبان است که همذات‌پنداری عمیقی با قصه‌ها می‌کنند.

مانور شکوهمندی از تکنولوژی

اگرچه رزیدنت اویل از لحاظ داستانی در قالبی کلیشه‌ای روایت می‌شود، اما درعوض سرشار از قدرت‌نمایی‌های تکنیکی است و در این زمینه نوآوری دارد. به‌طور قطع گرافیک واقع‌گرای این مجموعه با واقع‌گرایی در انیمیشن‌هایی که به روتوسکوپی معروف هستند و به‌عبارتی توسط رنگ‌آمیزی فریم‌های واقعی فیلم‌ها ساخته می‌شوند، تفاوت دارد. واقعی بودن بیش‌ازحد که در روتوسکوپی آن را سراغ داریم، شاید چندان هم جالب نباشد و ایجاد مرز ظریفی بین واقعیت و قالب هنری است که جذابیت زیبایی‌شناختی را خلق می‌کند. در این زمینه مثال معروف تصاویری که از کاخ گلستان منتشر می‌شوند را می‌توان به یاد آورد. عکس کاخ گلستان را در حاشیه میدان انقلاب به دوهزار تومان می‌فروشند اما نقاشی کمال‌الملک از همان کاخ، با اینکه کمتر از آن عکس‌ها به واقعیت نزدیک است، از فرط هنری بودن قیمت ندارد و اتفاقا فاصله‌ای که بین واقعیت و اثر هنری هست، این بهای غیرقابل‌احصا را به یک اثر می‌دهد. اثر هنری باید یک مقدار از واقعیت فاصله بگیرد و نوع این فاصله گرفتن است که میدان خلاقیت هنرمند به‌حساب می‌آید. رزیدنت اویل نوع این فاصله‌گذاری بین واقعیت و انیمیشن را از بازی‌های کامپیوتری وام می‌گیرد. گرافیک این مینی‌سریال، نوع پیشرفته‌ای از گرافیک بازی‌های کامپیوتری است. حتی چهره شخصیت‌های اصلی آن به‌شدت شبیه شخصیت‌های بازی‌های کامپیوتری طراحی شده‌اند؛ با این تفاوت که لئون این‌بار کت و شلوار می‌پوشد و بابت همین قضیه چندبار از کلر طعنه می‌شنود. گرافیک مینی‌سریال رزیدنت اویل شاید بسیار یادآور نوع کار گرافیکی در فیلم «بازیکن شماره یک آماده» محصول ۲۰۱۸ به کارگردانی استیون اسپیلبرگ باشد که در آن شخصیت‌های اصلی با زدن یک چشم‌بند الکتریکی، به یک دنیای مجازی می‌رفتند و در آن زندگی و مبارزه می‌کردند. این مینی‌سریال به‌شدت از لحاظ گرافیکی به فضای تیزرهایی که بین بازی‌های کامپیوتری پخش می‌شوند شباهت دارد و حتی به‌رغم وضوح و واقع‌گرایی فوق‌العاده بالایی که از آن برخوردار است، در بعضی جزئیات مثلا وقتی که شخصیت‌ها می‌خواهند با مچ دست چیزی مثل یک دستگیره در یاحتی اسلحه را در دست بگیرند، یک نوع کندی ژله‌ای وجود دارد که به‌طور قطع قابل برطرف‌کردن بوده اما برای شباهت‌سازی با گرافیک بازی‌های کامپیوتری به این شکل انجام شده است.

پارتنرهای به هم دل‌نبسته ابدی

لئون پس از نجات دختر رئیس‌جمهور آمریکا از دست لوس ایلومینادوس در رزیدنت اویل۴، اکنون کاملا تحت استخدام دولت ایالات متحده است و حتی هنگام جلوگیری از شیوع زامبی‌ها در داخل کاخ سفید، کت و شلوار می‌پوشد. در همین حال، کلر برای یک سازمان غیردولتی در کشور داستانی پنامستان که به‌طور واضحی نام مستعار افغانستان است، کار می‌کند. کشوری که ابتدا با جنگ داخلی ناشی از منافع آمریکا و پس از حضور نظامی آمریکا در این منطقه، توسط چند سلاح بیولوژیکی، از هم پاشیده است. لئون که یک مامور یا پیمانکار امنیتی است و کلر که غیر از فعالیت‌های خیریه‌ای، شخصیتش رنگ و و بوی رسانه‌ای دارد و شبیه کلیشه زن روزنامه‌نگار در فیلم‌های پلیسی-جاسوسی آمریکایی است، درحقیقت هردو به صورت جداگانه در یک ماموریت هستند تا نقشه‌ای مخفی در راستای انتشار یک ویروس جدید زامبی‌ساز در خارج از آمریکا را کشف کنند؛ آن هم درست زمانی که تنش بین ایالات‌متحده و چین به نقطه جوش رسیده است. لئون و کلر با اینکه دوست هم هستند، شخصیت‌هایی کاملا متضاد دارند. لئون درونگراست و مثل ماموران مخفی، هیچ انگیزه و علاقه‌ای به اینکه شناخته شود ندارد و حتی اشتیاقی برای تحسین شدن هم در او دیده نمی‌شود اما کلر برون‌گراست و شخصیتی کاملا نمایشی یا حتی خودنما دارد. با وجود تمام اینها، میزان اعتقاد هردوی این شخصیت‌ها به آرمان‌های انسانی یکسان است و باعث اتحاد و همدلی بین آنها می‌شود. آنها همیشه شبیه زوج‌هایی به نظر می‌رسند که قرار است در آخر قصه با هم ازدواج کنند اما نه هرکدام به کس دیگری دل می‌بندند و نه با هم حتی یک قرار شام می‌گذارند. لئون با اینکه یک کاراکتر آمریکایی است، اما طراحی آن از دل فشن‌های شرقی و انیمه‌های ژاپنی می‌آید؛ به‌خصوص اینکه طره‌ای از موی لخت او همیشه یکی از چشم‌هایش را پوشانده و چنین جلوه‌ای را در خیلی از این نوع آثار دیده‌ایم (مثلا شخصیت تسوکه در انیمه میتی‌کومان) اما کلر کاملا یک دختر غربی با موهای بلوند و خصوصیات بصری اینچنینی است.

انیمیشن‌سازی با نگاه کلان‌نگر سیاسی

از آنجا که با شیوع ویروس کرونا بحث‌های متعددی در سراسر جهان راجع‌به دست‌ساز یا اصطلاحا آزمایشگاهی بودن این ویروس مطرح شده، رزیدنت اویل هم که مبنای اصلی آن حول و حوش شیوع یک ویروس می‌گذشت، خواسته است که در بستر این موضوع سوار شود. ابتدا چنین عنوان می‌شد این ویروس را آمریکا در چین منتشر کرده تا جلوی پیشرفت رقیبش را بگیرد اما پس از مدتی که خود ایالات متحده و تمام متحدانش در باتلاق پاندمی فرورفتند و برعکس این چین بود که با مهار سختگیرانه کرونا توانست جهش محسوسی نسبت به رقبای اقتصادی‌اش داشته باشد، نوک پیکان گمانه‌زنی‌ها به سمت خود چین چرخید. البته این فرضیه هم یکی، دو حفره بزرگ داشت و آن این بود که چین اگر می‌خواست کرونا را به جان جهان بیندازد، اولا از کجا اینقدر مطمئن بود که رقبایش در مهار آن نامنظم رفتار می‌کنند و ثانیا چرا آن را در داخل مرزهای خودش شروع کرد؟ فرضیه سوم این است که شیوع کرونا توطئه دموکرات‌های آمریکایی برای زمین زدن دونالد ترامپ در انتخابات بود و در این مسیر بدشان نمی‌آمد که لگدی به رقیب بزرگ اقتصادی آمریکا هم بزنند؛ گرچه در این زمینه مقداری محاسبات‌شان غلط از آب درآمد. سریال رزیدنت اویل به فرضیه سوم نزدیک‌تر است و شیوع ویروس را به رقابت‌های سیاسی داخل آمریکا ربط می‌دهد. حضور آمریکا در افغانستان هم نکته سیاسی دیگری است که به این مجموعه ورود پیدا کرده؛ حال آنکه در هنگام خلق بازی رزیدنت اویل در سال ۱۹۹۶، هنوز نه آمریکا به افغانستان حمله کرده بود و نه حتی حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر رخ داده بودند.

خاورمیانه و غرب از چشم‌انداز ژاپنی‌ها

به‌طور کل توجه ژاپنی‌ها به موضوعات خاورمیانه در انیمه‌ها و انیمیشن‌هایشان بالاست. این موضوع را می‌توان در بستر مستقلی مورد تحلیل قرار داد اما آنها این توجه را از چشم‌انداز منطقه خودشان انجام می‌دهند؛ یعنی چیزی را در این محصولات فرهنگی می‌بینیم که می‌توان آن را نوع نگاه شرقی‌ها به مسائل خاورمیانه ارزیابی کرد نه آنچه واقعا در خاورمیانه می‌گذرد. وقتی آمریکا به افغانستان و مدتی بعد به عراق حمله کرد، گفته می‌شد که می‌خواهد ایران را در منگنه ژئوپلتیک قرار بدهد. همان روزها رئیس‌جمهور و وزیر خارجه آمریکا از تولد خاورمیانه جدید یا جنگ‌های صلیبی حرف می‌زدند و اینها مواردی بود که نشان می‌داد هدف آمریکا هر چه هست، به خود خاورمیانه ربط دارد اما حالا که ژاپنی‌ها محصولی درباره حمله آمریکا به افغانستان ساخته‌اند، انگیزه حضور آمریکا در این کشور را نزدیک شدن ایالات‌متحده به چین و کنترل و نفوذ در آن ارزیابی می‌کنند و خبری از منگنه ژئوپلتیک ایران، خاورمیانه جدیدیا جنگ‌های صلیبی در گفتمان آنها نیست. این تصور از افغانستان مطابق با چیزی است که انگلستان در دوران استعمار هند آن را به وجود آورد؛ افغانستان دروازه کمپانی هند شرقی بود و از این جهت برای آنها اهمیت داشت. اما چین و آمریکا نوعی از رویارویی را ندارند که این قضیه در موردشان صدق کند. به‌علاوه، آن چیزی که بین آمریکا و چین می‌گذرد، با دوران جنگ سرد و آنچه بین شوروی و آمریکا می‌گذشت، تفاوت‌های اساسی دارد. این درحالی است که شاید بتوان گفت خود ژاپن و چین چیزی شبیه جنگ سرد را بین خودشان تجربه کرده و می‌کنند و حالا این قالب را روی روابط آمریکا و چین هم قرار می‌دهند.

ژاپن متحد مهمی برای آمریکاست و حتی یکی از پایه‌های تعیین‌کننده ارزش پول ملی آمریکا، ارزش پول ملی ژاپن است. این درحالی است که آنها با چینی‌ها روابط سردتری دارند و مینی‌سریال رزیدنت اویل هم در دفاع از آمریکایی‌ها و از چشم‌انداز آنها ساخته شده است. با این حال این مجموعه علیه چین هم نیست و طرف تنش‌زدایی از جهان را می‌گیرد که معلوم می‌کند هم روی مخاطبان چینی حساب کرده و هم ایده‌آل ژاپنی‌ها را تنش‌زدایی نشان می‌دهد؛ چون اگر نبردی بین آمریکا و چین شکل بگیرد، به‌طور قطع کشورهایی مثل کره و ژاپن خسارت قابل‌توجهی از آن خواهند دید. در فیلم‌ها و سریال‌های کره‌ای هم بارها دیده شده در رابطه با روی دادن جنگی بزرگ بین چین و آمریکا، یک نوع وحشت و آینده‌هراسی وجود دارد.

نگاه

هر هنرمند یک چاه نفت

حسین هاشم‌پور

به یقین مقصودم از «هر هنرمند یک چاه نفت»، این نیست که به هر هنرمند یک چاه نفت دهند؛ سهم هنرمندان مانند همه مردم فقط بوی نفت است، همه می دانند برای هنر و هنرمند کسی تره هم خرد نمی کند ! منظور تیترم این است که هر هنرمند می تواند مانند چاه نفت و حتی بیش از چاه نفت برای ایران، ارزش افزوده آفرینی کند،فقط باید زمینه دستیابی به چنین موقعیتی را فراهم آورد.نهم مرداد، یادداشتی با تیتر « دولت جدید و ویرانه هنر « در ایران آرت منتشر کردم که با این جمله به اتمام رسید: «هنر نه تنها به کمیته امداد نیاز ندارد بلکه خودش چاه نفت است. « در این مدت برخی مخاطبان عزیز این نگاه مرا به چالش کشیدند ، عمده نقدها بر دو گزاره استوار است:

یک: بسیاری از دوستان مقایسه هنر و چاه نفت را غیر عقلانی ارزیابی کردند و معتقد بودند ارزش نفت صدها برابر هر هنری است! اکنون قصد دارم جمله خودم را تصحیح کنم «هنر حتی از منظر اقتصادی هم بسیار ارزشمند تر از چاه نفت است» ؛ کافی ست درآمدزایی هنر در کشورهایی را ببینید که چاه نفت ندارند. نفت محصول رو به پایان است و از آسیب های سیاسی تاریخی که به کشورمان زده بگذریم از منظر زیست محیطی هم زیان های بسیار به جای می گذارد که دامان نسل های بعدی را نیز آلوده خواهد کرد اما هنر، چشمه پاک آفرینش بی پایان است.

دو: عده ای که شمارشان اندک نیست، می گویند وظیفه ذاتی دولت سرویس دادن به هنرمند است و چرا باید برای استقلال هنر از بودجه دولت، راهکار داد؟ چاه های نفت در این مملکت به همه تعلق دارد و همه از جمله هنرمندان باید از این نعمت برخوردار شوند. اگر موج کره ای ۲۲ ساله و هنر ترکیه در ۲۰ سال اخیر را مثال می زنید که چگونه با توانمندسازی بخش خصوصی توانسته اند برای کشورشان ارز آوری کنند در ایران چنین شناخت و زیر ساختی وجود ندارد، از این رو بر عهده دولت است از تولید فیلم تا خرید نقاشی و مجسمه را انجام دهد. به گمانم این طیف دوستان آب در هاون می کوبند، مثلا وقتی کل بودجه هنرهای تجسمی وزارت ارشاد برای همه چندین هزار هنرمند تجسمی سراسر کشور با دستمزد دو سه بازیکن فوتبال درجه دو خودمان برابر است، امید بستن به بودجه دولت و تحقق عدالت خود را گول زدن نیست؟

سه: « هنرمند هم تزار چاه نفت می تواند تولید ثروت کند « یک گزاره توضیحی هم دارد: برای کشف چاه نفت، استخراج، نگاهداری و تعمیر آن باید هزینه های هنگفت متحمل شد، دولت هوشمند دولتی ست که دریابد برای شکوفایی و توسعه هنر هم باید در زیرساخت ها سرمایه گذاری اصولی انجام داد و از همه مهم تر با طرح مشوق های متعدد بخش خصوصی را مهیای حضور در بازار هنر کند تا آنان بتوانند در گستره بین المللی برای هنر ایران تبلیغ و بازاریابی کنند و ... نمی گویم اندازه چاه نفت، اما یک میلیونیوم چاه نفت برای هنر و هنرمند هزینه شود هنر ایران می تواند ظرفیت های والای خود را عیان کند.

برخی تئوریسین ها می گویند: حدود ۴۰۰ هزار گالری در جهان وجود دارد که از این تعداد ۱۲۰۰ گالری ۷۵ درصد کل درآمد هنر را از آن خود کرده‌اند. درآمد ناشی از هنرهای تجسمی ۶۴ میلیارد دلار است و ۳ درصد گالری‌های جهان، یعنی ۱۲۰۰ گالری ۵۰ میلیارد دلار از این درآمد نصیب‌شان می‌شود. همان طور که حدس می زنید سهم ایران از این عدد، پشت ممیز ها، حوالی ناچیز و اندک است!

* دو عکس کار شده برشی از دو اثر در نمایشگاه طلای سیاه است که در سال ۱۳۹۳ در گالری شیرین برپا شده بود.

یک فنجان چای داغ

ششمین جشنواره ملی فیلم و عکس فناوری و صنعتی همزمان با شروع به کار دولت جدید برگزار می‌شود

دبیر ششمین جشنواره فیلم و عکس فناوری و صنعتی گفت: پیش بینی ما زمان برگزاری جشنواره تا پیش از پایان دولت دوازدهم بود؛ اما متاسفانه محدودیت‌های مالی دولت از یک سو و کندی تصمیم‌گیری و هماهنگی‌ها بین مدیران دستگاه ها و مراکز دولتی باعث شد کمک‌هایی که قرار بود از سوی سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت صمت و سایر دستگاه‌های دولتی صورت گیرد محقق نشود و علی رغم قرار های قبلی، عملا تاکنون ما هیچ حمایتی دریافت نکرده‌ایم، بر این اساس برگزاری جشنواره را به بعد از استقرار دولت جدید موکول کردیم.

به گزارش امتیاز، بهزاد رشیدی زمان برگزاری نمایشگاه، اکران آثار منتخب و مراسم اختتامیه جشنواره را مهر ماه ۱۴۰۰ اعلام کرد و ابراز امیدواری کرد با استقرار دولت جدید روحیه کار کردن و انگیزه مدیران دولتی مرتبط با این حوزه بیشتر شده و به کارهای فرهنگی و زیربنایی اهمیت و اولویت بیشتری داده شود.

وی بهره بردار اصلی جشنواره را سازمان‌ها و مراکز دولتی و خصوصی فعال در عرصه صنعت و فناوری کشور قلمداد کرد و گفت: اگر حمایت‌های مقرر شده عملی نشود، ما نخواهیم توانست جشنواره را در موعد مقرر و آنطور که پیش بینی کرده‌ایم، برگزار کنیم.

رشیدی ادامه داد: برخی از دوستان و حتی مسئولان دولتی می‌گفتند با توجه به شرایط کشور، شما فعلا جشنواره را برگزار نکنید؛ اما ما سعی کردیم چراغ جشنواره را در فضای مجازی روشن نگه داریم. در این مدت سعی شده با استفاده از امکانات و ظرفیت‌های فضای مجازی، موضوع مستندسازی صنعتی و فناوری تا حد زیادی تبیین و برجسته شود. بر این اساس تعداد ۱۵ عنوان نشست تخصصی فیلمسازی و عکاسی با اساتید، متخصصین و چهره‌های حوزه فیلم و عکس صنعتی و تبلیغاتی در موضوعات مختلف و کاربردی در فضای مجازی برگزار شده و ادامه دارد.

وی گفت: در همین راستا کار تولید محتوا و پیام و تحلیل تصویری در موضوعاتی همچون معرفی مستندسازان و عکاسان پیشکسوت صنعتی و تبلیغاتی ایرانی، معرفی عکاسان مطرح صنعتی و تبلیغاتی خارجی، معرفی برگزیدگان دوره های قبلی جشنواره همچنین نظرات و دیدگاه های مستندسازان و عکاسان فعال حوزه صنعتی و تبلیغاتی در ایران نیز در دستور کار بوده و در طول سال ادامه خواهد داشت.

دبیر جشنواره فردا با اشاره به استقبال هنرمندان عکاس و فیلمساز از دوره ششم جشنواره، در مورد تعداد آثار جشنواره گفت: در مهلت تعیین شده برای ارسال آثار، در بخش فیلم تعداد ۳۱۰ اثر در بخش‌های مختلف برای دبیرخانه ارسال شده و این تعداد با توجه به تعاملات سازمانی جدید، در حال افزایش است و در بخش عکس هم ۲۵۰۰ اثر از ۳۵۰ عکاس در بخش‌های شش گانه عکس، آثارشان را برای دبیرخانه جشنواره ارسال کرده‌اند.

وی ادامه داد: خوشبختانه در هر دوره، کیفیت عکس‌ها و فیلم‌های ارسالی بهبود چشمگیری دارد و ما در این افزایش کیفی آثار، سهم ویژه‌ای برای خود قائل هستیم. البته نقش هنرمندان فیلمساز و عکاس را بسیار بیشتر از مدیران صنعتی می‌دانیم.

حسین حقیقی مطرح کرد؛

راه «تماشایی» را ادامه می‌دهم

حسین حقیقی خواننده آلبوم «تماشایی» که طی روزهای اخیر توسط مجموعه «باریتون» از موسسات زیرمجموعه سازمان هنری رسانه‌ای «اوج» پیش روی مخاطبان قرار گرفته است پیرامون انگیزه‌های خود برای تولید آلبوم گفت: یکی از دغدغه‌های اصلی من که از سال‌ها پیش به دنبال اجرایی شدنش بودم، تولید یک آلبوم موسیقی بود که تمام اعضای یک خانواده بتوانند از یک مجموعه موسیقایی در قالب یک خوراک فرهنگی استفاده کنند و تا آنجایی که می‌دانم غیر از موارد استثنایی تاکنون کمتر پیش آمده که اثری در قالب یک مجموعه تولید شود که مضمون اصلی آن خانواده باشد.

وی افزود: من از چند سال گذشته همواره به این موضوع فکر می‌کردم که مضامین عاشقانه با محوریت خانواده می‌تواند زیر چتر یک بسته موسیقایی تعریف شود. به هر حال ارتباط جمعی یک خانواده دربرگیرنده مفاهیمی است که من تلاش کردم آن را به همراه تعدادی دیگر از هنرمندان و همکارانم در قالب یک آلبوم طراحی کنم که هرکدام می‌توانند ما به ازایی از این مفاهیم با زبان موسیقی بوده و از یک جمع خانوادگی حرف بزنند. البته چنین فرآیندی نیازمند تعیین حدودی بود که بسیار نکات ظریفی است شرایطی که من را واداشت تا با همکاری دوستان شاعرم مشورت‌های زیادی داشته باشم تا بتوانیم اثر قابل قبولی را استخراج کنیم. شرایطی که دربرگیرنده مولفه‌های ساختاری موسیقی پاپ هم باشد و در سطح حرفه‌ای آن پیش روی مخاطبان قرار گیرد.

این خواننده موسیقی پاپ بیان کرد: بسیار خوشحالم که از زمان انتشار آلبوم «تماشایی» فضای کار به گونه‌ای بوده که با وجود تمام محدودیت‌هایی که در پخش اثر داشتیم، توانسته بازتاب خوبی میان مخاطبان داشته باشد. به هر حال هزینه‌ای که می‌بایست برای پخش این اثر می‌شد، اصلاً در چارچوب ارقام سنگین و هنگفت رایج در بازار موسیقی نیست ولی بسیار خوشحالیم که با همان تعداد تیتراژ نسخه فیزیکی و فروش در فضای مجازی فضا به گونه‌ای هدایت شده که در فروش هم رضایت نسبی داریم و می‌توان گفت استقبال از اثر بالاتر از میزان توقع ما بود که نشان دهنده تلاش و همدلی است که برای تولید این اثر داشتیم.

حقیقی درباره محتوای این آلبوم هم توضیح داد: با توجه به اینکه آلبوم «تماشایی» جامعه هدف داشت، بنابراین می‌دانستیم که کار می‌تواند مورد استقبال واقع شود، این استقبال هم به شکلی بود که شنیدم خیلی از خانواده‌ها این آلبوم را به یکدیگر هدیه می‌دادند. همین فرآیند نشان می‌دهد که انتشار چنین آلبوم‌هایی با مضامین خانواده امری ضروری است که می‌تواند مورد توجه همه هنرمندان فعال حوزه موسیقی قرار گیرد. موضوعی که بنده قطعاً روی آن دغدغه دارم و از این به بعد هم تصمیم دارم پیرامون این موضوع دست به تولید انتشار آثاری بزنم که به زودی جزییات انتشارش را ارائه خواهم کرد.

شایان ذکر است چندی پیش همزمان با فرا رسیدن سالروز ازدواج فرخنده حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) آلبوم عاشقانه «تماشایی» به خوانندگی حسین حقیقی با شعار «تقدیم به خانواده‌های ایرانی» پیش روی مخاطبان قرار گرفت. این آلبوم از سوی مرکز موسیقی «مأوا» از مجموعه‌های سازمان هنری رسانه‌ای اوج و موسسه «باریتون» با مجوز رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده است.

در این اثر که به نوعی اولین آلبوم رسمی حسین حقیقی غیر از تک آهنگ‌های منتشر شده توسط اوست هشت قطعه با نام‌های قطعات «ریحانه»، «خلوت خوب»، «حیفه تو نباشی»، «دورت بگردم»، «آویشن»، «تماشایی»، «خانوم خونه م» و «قرنطینه» تولید شده‌اند.

قطعات این آلبوم عاشقانه با آهنگسازی مهدی یغمایی، شجاعت شفایی، بابک مافی، سینا پارسیان و انوشیروان تقوی و بر اساس اشعار محمدمهدی سیار، حامد عسکری، سیدجواد پرئی، یاحا کاشانی و نفیسه سادات موسوی انجام شده است.

مجموعه فرهنگی هنری برج آزادی اعلام کرد:

برج آزادی با مجلس تعزیه در دهه اول محرم

مجموعه فرهنگی هنری برج آزادی از ۱۹ تا ۲۸ مرداد همزمان با دهه اول محرم و شهادت سید و سالار شهیدان (ع) میزبان مجلس تعزیه امام حسین (ع) خواهد بود.

به گزارش امتیاز، گروه تعزیه سیدالشهدا(ع) به سرپرستی هنرمند پیشکسوت موسیقی و تعزیه و عضو موسسه هنرمندان پیشکسوت استاد احمد عزیز و با اجرای ۱۵ شبیخوان از روز سه‌شنبه ۱۹ مرداد ماه به مدت ۱۰ شب در فضای باز میدان آزادی و با رعایت دقیق دستورالعمل های بهداشتی و به ویژه رعایت فاصله اجتماعی و استفاده از ماسک به روی صحنه می‌رود. برگزاری این آیین هنری و مذهبی با حمایت و همکاری مشترک بنیاد فرهنگی هنری رودکی، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و مجموعه فرهنگی هنری برج آزادی انجام می شود.

همزمان با دهه اول محرم ۲۰۵ اجرای تعزیه در ۲۲ منطقه تهران توسط اساتید برتر تعزیه اجرا می‌گردد.

در مدت اجرای هر مجلس تعزیه، دستورالعمل و پروتکل‌های بهداشتی به صورت جدی رعایت خواهد شد.

زمان اجرای این تعزیه‌ها از ۱۹ تا ۲۸ مرداد به مدت ۱۰ شب از ساعت تا ۲۰:۰۰۱۸:۰۰ به مدت ۱۲۰ دقیقه می‌باشد و حضور در این برنامه برای تمامی علاقه‌مندان آزاد است.

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب

نوبت دوم

آگهی فراخوان مناقصه عمومی شماره DT1 ۰۰۰۸۲۱۰۰۳۰۰۹۶

شناسه : ۱۱۷۲۴۹۱

شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در نظر دارد کالای مورد نیاز خود را مطابق جدول زیر از طریق برگزاری مناقصه ی عمومی یک مرحله ای از میان تولید کنندگان داخلی تأمین نماید.

شماره قلم	موضوع مناقصه	تعداد	شماره تقاضا
۱	GLYDRILL	۵۰۰	۰۸-۲۱-۸۹-۰۰۳۰۰۹۶

لذا کلیه شرکتهایی که فعالیت آنها مرتبط با شرح کالای مورد درخواست می باشد می بایست ظرف مدت ۱۴ روز از تاریخ درج آگهی فراخوان با مراجعه به سایت اینترنتی ذیل الذکر، نسبت به استخراج و تکمیل « فرم تعهد نامه ارائه کالا مطابق با استانداردهای شرکت ملی مناطق نفتخیزجنوب» و ارسال اصل آن به همراه مدارک و مستندات لازم منطبق با موارد مندرج در جدول ارزیابی کیفی (برای معاملات کمتر از بیست برابر نصاب معاملات متوسط) به آدرس پستی مندرج در فراخوان اقدام نمایند.

فرم پرسش نامه ارزیابی ← مدیریت تدارکات و امورکالا ← مزایده و مناقصه ← کسب و کار ← WWW.NISOC.IR

کسب حداقل نمره ۶۰ در ارزیابی کیفی جهت تحویل اسناد مناقصه به فروشندگان/سازندگان الزامی است.

ضمناً مبلغ تضمین شرکت در مناقصه -/۱٫۲۳۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال می باشند.

آدرس پستی: اهواز-کوی فدائیان اسلام(نیوساید)- خیابان شهریور-مجتمع تدارکات و امور کالا-ساختمان ۱۰۲-اداره تدارکات خرید کالای داخلی -واحد خریدهای عمومی اتاق ۹ کد پستی ۶۱۱۳۸-۵۴۵۷۹ تلفن: ۳